یادداشت

هژمونِ تنها: چرا چین در لحظه خطر کنار هیچ‌کس نمی‌ایستد؟

احمد رشیدی‌نژاد
پژوهشگر ژئوپلیتیک

اگر روزی جنگی میان ایران و آمریکا شعله‌ور شود، در ذهن بسیاری از ایرانیان و حتی مردم دیگر کشورها یک انتظار شکل می‌گیرد: اینکه چین و روسیه باید پشت ایران بایستند. این انتظار نه از تحلیل‌های پیچیده، بلکه از غریزه‌ای تاریخی سرچشمه می‌گیرد؛ غریزه‌ای که می‌گوید هر هژمون برای مقابله با رقیبش باید صف متحدانش را کامل کند. اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده چین و تا حدی روسیه، برخلاف این تصور عمومی، در بزنگاه‌ها- همچون سوریه و ونزوئلا- عقب می‌نشینند و ترجیح می‌دهند نظاره‌گر باشند. این «عقب‌نشینی آگاهانه» همان نقطه‌ای است که مدل چین را از تمام هژمون‌های پیشین متمایز می‌کند و پرسش‌های مهمی درباره آینده نقش جهانی آن برمی‌انگیزد.

تاریخ نمونه‌های روشنی از هزینه‌های رفتار هژمونیک دارد. آتن باستان وقتی جزیره ملس را به زور وارد اتحادیه دلیان کرد و درخواست بی‌طرفی آن را با کشتار پاسخ داد، پیامش به جهان یونانی این بود که «قدرت، حق می‌آورد». اما همین رفتار باعث فرسایش اعتماد و فروپاشی اتحادها شد و در نهایت آتن در جنگ پلوپونزی نه‌تنها هژمونی، بلکه موجودیت خود را از دست داد. درس آتن این بود که پیروزی‌های تاکتیکی می‌توانند به شکست‌های استراتژیک منجر شوند. چین امروز این درس را می‌داند، اما برداشتش متفاوت است. پکن نه به‌دنبال متحد تحمیلی است و نه حاضر است در برابر متحد داوطلب تعهد بدهد. پرسش اینجاست: با متحدی که خود خواهان حمایت است، چه باید کرد؟

ایران امروز در جایگاه چنین متحد داوطلبی قرار دارد. افکار عمومی ایران با خوانشی غریزی از تاریخ هژمون‌ها از خود می‌پرسد: «اگر چین هژمون فرداست، چرا امروز کنار ما نمی‌ایستد؟». اما پاسخ پکن سکوت است یا محاسبه‌ای سرد: «ما متحد کسی نمی‌شویم، حتی اگر به قیمت ازدست‌دادن او باشد». این رفتار را می‌توان صرفه‌جویی هوشمندانه در هزینه‌ها دانست، یا انزوای داوطلبانه‌ای که روزی هزینه‌اش از هر اتحاد رسمی سنگین‌تر خواهد شد. چین از اتحاد گریزان است، زیرا تجربه تلخ اتحاد نابرابر با شوروی در دهه ۱۹۵۰ را در حافظه تاریخی خود دارد. آن اتحاد به پکن آموخت که هر پیمان با قدرتی بزرگ‌تر، به معنای استقلال مشروط و حاکمیت محدود است. چین سوگند خورد که دیگر «شریک کوچک» هیچ اتحادی نباشد. اما ایران امروز در موقعیت چین دیروز نیست؛ ایران متحدی است که از هژمون نوظهور انتظار حمایت دارد. پکن برای پرهیز از تکرار تجربه شوروی، مدلی برگزیده که در آن حمایت اقتصادی می‌کند اما تعهد سیاسی نمی‌دهد؛ نفت می‌خرد اما در میدان بحران سکوت می‌کند؛ سرمایه‌گذاری می‌کند اما در لحظه خطر حاضر نمی‌شود. این ظرافت برای افکار عمومی ایران قابل درک نیست. مردم پیچیدگی‌های راهبردی را نمی‌بینند؛ تنها «ایستادن در کنار» را می‌فهمند و نبود آن را «خیانت» می‌خوانند.

مدل آمریکایی هژمونی بر واکنش متقابل استوار است: هر گام رقیب باید با گامی متقابل پاسخ داده شود تا حوزه نفوذ حفظ شود. اما مدل چینی می‌گوید: «هر گام رقیب هزینه دارد؛ من در جبهه‌ای دیگر پیشروی می‌کنم». آمریکا ناتو را گسترش می‌دهد؛ چین در ساموآ پایگاه می‌زند. آمریکا در خلیج فارس حضور نظامی دارد؛ چین با عربستان قراردادهای نفتی بلندمدت می‌بندد. در نقشه ژئوپلیتیک، این یک شطرنج دقیق است. اما نقطه کور آن «هزینه سکوت نمادین» است. وقتی ایران در لحظه حساس پشت چین را خالی می‌بیند، حتی اگر تجارت ادامه داشته باشد، پیام مهمی به جهان مخابره می‌شود: «چین در بزنگاه شریک نیست». این همان فرسایش تدریجی اعتبار است؛ همان سمی که آتن را در ملس از پا انداخت.

تاریخ نشان داده هژمون‌های تنها عمر طولانی ندارند. ناپلئون با ارتشی شکست‌ناپذیر اروپا را فتح کرد، اما متحد واقعی نداشت. فرمانروایان دست‌نشانده‌اش فرمانبرانی ناراضی بودند. در مقابل، بریتانیا ائتلافی بزرگ ساخت و در واترلو پیروز شد. آلمان هیتلری نیز با متحدانی کم‌اثر وارد جنگ شد؛ ایتالیا باری بر دوش بود و ژاپن منافع خود را دنبال می‌کرد. اما متفقین ائتلافی گسترده ساختند که تا نابودی فاشیسم پابرجا ماند. نتیجه روشن بود: هژمونی بدون ائتلاف، شکننده است. پس از سقوط ناپلئون، اروپا «کنسرت اروپا» را بنا کرد؛ مدلی از همکاری میان قدرت‌های بزرگ که چهار دهه صلح نسبی به ارمغان آورد. پیام این تجربه برای چین امروز روشن است: هژمون هوشمند نظم می‌سازد و دیگران را شریک می‌کند، نه تابع. آمریکا نیز در قرن نوزدهم از اتحادهای الزام‌آور گریزان بود، اما دو جنگ جهانی و جنگ سرد به آن آموخت که هژمونی منزوی در برابر تهدیدهای بزرگ آسیب‌پذیر است. نتیجه، شکل‌گیری شبکه‌ای از متحدان رسمی بود که امروز هزینه رویارویی با آمریکا را برای هر رقیبی غیرقابل محاسبه می‌کند. این شبکه هزینه دارد، اما بیمه‌ای است در برابر سقوط.

چین همه این تجربه‌ها را می‌بیند، اما نتیجه‌گیری‌اش متفاوت است. پکن می‌گوید: «اتحاد نابرابر شوروی را تجربه کردیم؛ شبکه مسئولیت‌های آمریکا را هم می‌بینیم. ما هزینه ائتلاف را نمی‌پردازیم و در عوض انزوای لحظه خطر را می‌پذیریم». این انتخابی آگاهانه است. چین می‌داند که با هر گسترش ناتو و هر سکوتش در برابر بحران‌هایی چون ایران، از دایره نفوذش کاسته می‌شود، اما این را بهای مدل خود می‌داند. با این حال، تاریخ می‌گوید هژمونی بدون متحد تا زمانی پایدار است که بحران بنیادینی رخ ندهد. چین امروز در «قرن نوزدهم» خود است: رشد می‌کند، تجارت می‌کند و از تعهد سیاسی می‌گریزد. اما روزی که بحران تایوان یا دریای جنوبی چین به رویارویی مستقیم تبدیل شود، پکن با شبکه‌ای از متحدان غربی روبه‌رو خواهد شد، در حالی که خود تنهاست. آمریکا در خلیج فارس پایگاه دارد، نه به خاطر قدرت محض، بلکه به دلیل شبکه پیمان‌ها. چین در همان منطقه نفت می‌خرد، اما هیچ‌کس برایش نمی‌جنگد. و بدتر: اگر ایران احساس کند چین در لحظه حساس تنها رهایش کرده، نه به سوی غرب، بلکه به سوی «بی‌طرفی تلخ» خواهد رفت؛ بی‌طرفی‌ای که اثرش نسل‌ها باقی می‌ماند.

در نهایت، چین می‌داند که بی‌تعهدی امروز آزادی عمل می‌آورد، اما پرسش این است که آیا این آزادی امنیت فردا را تضمین می‌کند؟ تاریخ هژمون‌هایی را نشان می‌دهد که اتحادهای تحمیلی ساختند و سقوط کردند، و هژمون‌هایی که متحدان مغلوب را به شرکای برابر تبدیل کردند و پایدار ماندند. چین راه سومی برگزیده: نه اتحاد تحمیلی اسپارت، نه ائتلاف برابر آمریکا، بلکه «بی‌نیازی خودخواسته». این مدل تا زمانی کار می‌کند که بحران به خانه نرسیده باشد. اما وقتی آن لحظه فرا برسد، فهرست شرکای تجاری جای پایگاه‌های نظامی را نمی‌گیرد. سکوت نمادین امروز، انزوای واقعی فرداست. مردم ایران این منطق را بی‌واسطه می‌فهمند. انتظارشان از چین نه آرمان‌خواهانه، بلکه مبتنی بر محاسبه است: «اگر تو هژمون فردایی، امروز باید کنار من باشی تا فردا من کنار تو باشم».

نتیجه‌گیری

پرسش تاریخی این است: آنگاه که چین ناگزیر وارد میدان رویارویی‌های بی‌بازگشت شود، آیا شبکه‌ای از متحدان واقعی در برابرش خواهد ایستاد، یا فهرستی بلند از شرکای تجاری که در نخستین تیراندازی می‌گریزند؟ هژمونی تنها، هژمونی ناپایدار است. آتن، ناپلئون، هیتلر و... هریک به بهای انزوا سقوط کردند و آمریکا با ائتلافی فراگیر همچنان ایستاده است. ظاهرا چین امروز سکوت را بر تعهد ترجیح می‌دهد، اما تاریخ بی‌رحم قضاوت می‌کند. هزینه سکوت نمادین امروز، انزوای واقعی فرداست؛ انزوایی که هیچ هژمونی- حتی پکن- شاید از آن جان سالم به در نبرد.

روبیو در مونیخ از اروپا خواست در سه محور با آمریکا همراه شود: حاکمیت ملی، بازصنعتی‌سازی و قدرت نظامی

رونمایی از «نظم جدید»

شرق: وزیر خارجه آمریکا از اروپا خواست با دولت ترامپ برای نظم جهانی تازه همراه شود؛ نظمی مبتنی بر حاکمیت ملی، بازصنعتی‌سازی و قدرت نظامی با تمرکز بر مهار مهاجرت. به گفته روبیو، غرب قرار نیست فقط «متحد» بماند، قرار است دوباره «یک پروژه» شود؛ پروژه‌ای که در آن مرزها، کارخانه‌ها و ارتش، از واژه‌های محبوب‌تر از «قواعد» هستند.

روبیو در کنفرانس امنیتی مونیخ با لحنی نرم‌تر از جی دی ونس در سال گذشته، اما با همان محتوا، گفت آمریکا نمی‌خواهد متحدان اروپایی وضع موجود را توجیه کنند، بلکه باید بپذیرند نظم فعلی شکسته است. او تأکید کرد واشنگتن علاقه‌ای به نقش «سرپرست مؤدب» برای «افول مدیریت‌شده غرب» ندارد و از متحدان انتظار همراهی عملی دارد. روبیو هم‌زمان از «احیای یک دوستی قدیمی» حرف زد.

اما این نرمش، عقب‌نشینی نبود. روبیو اعتراض‌های اصلی دولت ترامپ را این‌گونه ردیف کرد: ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی، تجارت بی‌مهار، سیاست‌های انرژی و «مهاجرت انبوه». او گفت این خطاها مشترک بوده و حالا باید «با هم» با واقعیت‌ها روبه‌رو شد، ولی بابت انتقادهای تند واشنگتن از اروپا و ناتو یا درخواست‌های تکراری الحاق گرینلند عذرخواهی نکرد. رویترز همان روز این وضعیت را «آشتی در لحن، نه در خط سیاسی» توصیف کرد.

قبل از سخنرانی روبیو رهبران اروپایی گفته بودند آماده‌اند رابطه نزدیک‌تری با آمریکا بسازند، اما بر سنت‌ها و قواعد خودشان هم تأکید داشتند و گفتند برای کم‌کردن وابستگی به بیرون، از جمله به آمریکا، فشار می‌آورند. روبیو پاسخ داد سرنوشت امنیتی دو سوی آتلانتیک به هم گره خورده و «اروپا باید زنده بماند»، چون سرنوشت اروپا هرگز برای امنیت ملی آمریکا بی‌اهمیت نخواهد بود. رویترز به نقل از روبیو گزارش داد او بیشتر روی پیوندهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی مکث کرد و کمتر روی واژه‌های کلیشه‌ای. پس از سخنرانی، اورسولا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، گفت از حرف‌های روبیو «خیلی» آسوده‌خاطر شده و او را متحدی قوی خواند. اما بئاته ماینل رایزینگر، وزیر خارجه اتریش، به پولیتیکو گفت در «محتوا» چیزی عوض نشده و اروپا باید مستقل‌تر و مسئول‌تر شود. نتیجه روز دوم برای اروپا: حتی اگر لحن نرم شود، اهرم‌ها سر جایشان می‌مانند.

دکترین حاکمیت و مهاجرت

روبیو عملا نسخه «غرب را دوباره بزرگ کن» را عرضه کرد؛ نسخه‌ای هم‌صدا با سخنرانی ونس در سال گذشته، اما نرم‌تر و با زبان تمدنی. اکسیوس تأکید کرد این دو سخنرانی، چشم‌انداز جهانی ترامپ را روشن‌تر می‌کند و می‌تواند خط کلی سیاست خارجی جمهوری‌خواهان را، حتی پس از ترامپ، شکل بدهد. اکسیوس احتمال داد ونس و روبیو در انتخابات بعدی روی یک بلیت کنار هم بیایند.

در این چارچوب، مخالفت با مهاجرت انبوه نخ تسبیح اصلی است. روبیو گفت کنترل اینکه چه کسانی و چه تعداد وارد کشور می‌شوند، نفرت و بیگانه‌هراسی نیست، بلکه عمل بنیادین حاکمیت ملی است. این موضع، رد مستقیم جریان‌هایی در اروپا و آمریکاست که مهاجرت را ذاتا خیر می‌دانند و نقد آن را با برچسب‌های اخلاقی خفه می‌کنند. نبرد اصلی در این روایت، سر «قاب» است: مهاجرت پرونده انسانی است یا پرونده امنیتی و هویتی. روبیو اتحاد آمریکا و اروپا را «تمدن واحد» تصویر کرد و رشته‌های اتصال را با تاریخ مشترک، ایمان مسیحی، فرهنگ و فداکاری نسل‌های پیشین توضیح داد. او در کنار ترامپیسم، از افول غرب پس از ۱۹۴۵ هم گفت و تلاش کرد گذشته را به زبان هویتی بازتعریف کند. او جمله‌ای گفت که ترجمه امنیتی دارد: ارتش‌ها برای انتزاع نمی‌جنگند، برای مردم و شیوه زندگی می‌جنگند. جمع‌بندی اکسیوس این بود که اروپا باید تعریف کند دقیقا از چه دفاع می‌کند و حاضر است برایش چه هزینه‌ای بدهد.

اقتصاد، صنعت و چین

روبیو «توهم خطرناک» نظم پس از جنگ سرد را هدف گرفت: این فرض که تجارت آزاد، ملت‌ها را آزاد می‌کند و نظم جهانی واقعا قاعده‌مند است. او گفت غرب در این توهم، تجارت را رها کرد و نتیجه‌اش بسته‌شدن کارخانه‌ها، خروج شغل‌های طبقه کارگر و متوسط و واگذاری زنجیره‌های تأمین حیاتی به رقبا و دشمنان شد. او مستقیما نامی از چین نبرد، اما از رقیبی گفت که با یارانه و محافظت اقتصادی، صنایع غرب را زیر قیمت می‌زند.

روبیو در بخش انرژی نیز محدودیت‌های اقلیمی را تند نقد کرد و گفت رقبا از نفت و گاز برای اهرم‌سازی علیه غرب استفاده می‌کنند. رویترز نوشت او از اروپا خواست با این نقد همراه شود و برای «دوستی قدیمی» نسخه تازه بپیچد. این یعنی اختلاف‌ها فقط بر سر پول و تعرفه نیست؛ بر سر این است که چه کسی هزینه گذار انرژی را می‌دهد و چه کسی سود ژئوپلیتیکش را می‌برد.

در این تصویر، سیاست صنعتی فقط کارخانه نیست؛ قرارداد اجتماعی است. وقتی کارگر و طبقه متوسط حس کنند جهانی‌شدن یعنی ناامنی شغلی، سیاست خارجی هم تندتر می‌شود و «سازش» محبوبیتش را از دست می‌دهد. روبیو اروپا را به انتخابی مشابه هل می‌دهد: یا هزینه احیای صنعت را بدهید یا هزینه بی‌ثباتی سیاسی را. روبیو جنگ اوکراین را شاهدی علیه سازمان ملل آورد و گفت این نهاد نتوانسته جنگ را حل کند و حتی برای نزدیک‌کردن طرفین به مذاکره هم «رهبری آمریکا» لازم بوده است. روبیو نتیجه گرفت آمریکا اگر لازم باشد تنها عمل می‌کند، هرچند تأکید داشت ترجیح می‌دهد این کار با اروپا انجام شود. برای بسیاری در اروپا، همین «گزینه تنها عمل‌کردن» بخش نگران‌کننده ماجراست. در واشنگتن، ریچارد بلومنتال، سناتور دموکرات گفت سخنرانی روبیو در مقایسه با سخنرانی سال گذشته ونس آرام‌تر بود اما کم‌جزئیات. تام تیلیس، سناتور جمهوری‌خواه و عضو گروه ناظر ناتو گفت این پیام از سوی کاخ سفید هم تأیید شده و برای اطمینان‌دادن به متحدان ضروری است. اروپا باید هم‌زمان با «یک دولت» و «دو قرائت» کار کند.

اوکراین و کابوس مونیخ

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین هم در این کنفرانس هشدار داد «مونیخ ۱۹۳۸» تکرار نشود و گفت پوتین امیدوار است «مونیخ» را دوباره بسازد؛ نه‌فقط مونیخ ۲۰۰۷، بلکه مونیخ ۱۹۳۸. رویترز شنبه ۱۴ فوریه ۲۰۲۶ نوشت زلنسکی می‌خواست هزینه امتیازدهی یک‌طرفه را برای اروپا ملموس کند: امروز امتیاز، فردا بحران بزرگ‌تر.

زلنسکی گفت اوکراین آماده توافق است، اما نه به هر قیمت و تأکید کرد توافق باید صلح واقعی برای اوکراین و اروپا بیاورد. او انتقاد کرد بحث امتیازدهی بیش از حد روی چیزهایی می‌چرخد که اوکراین باید بدهد، نه روسیه. زلنسکی همچنین گفت اروپا «تقریبا» در میز مذاکره حضور ندارد و این را اشتباه بزرگ خواند؛ جمله‌ای که با وعده «اروپای قوی» روبیو در تضاد می‌افتد مگر اینکه نقش اروپا واقعا پررنگ شود.

او درخواست انتخابات در میانه حملات موشکی را رد کرد و گفت مردم زیر موشک و حملات بالستیک هستند و نسخه فوری، «آتش‌بس» است. سپس کنایه زد اگر قرار است برای اوکراین زیر حمله انتخابات مطالبه شود، می‌شود برای روس‌ها هم آتش‌بس داد به شرطی که آنها هم انتخابات برگزار کنند. پیامش ساده بود: معیارها نباید یک‌طرفه باشد.

زلنسکی تأیید کرد طرف آمریکایی پیشنهاد منطقه آزاد اقتصادی در سرزمین مورد مناقشه را مطرح کرده و کی‌یف آماده بررسی آن است، اما گفت عقب‌نشینی از خاک اوکراین منتفی است؛ در آن سرزمین حدود ۲۰۰ هزار اوکراینی زندگی می‌کنند. او افزود اوکراین آماده گام‌برداشتن است، اما از روسیه «هیچ سازشی» شنیده نمی‌شود. وقتی از فشار دونالد ترامپ پرسیدند، گفت «کمی» و تأکید کرد اوکراینی‌ها انسان‌اند، «ترمیناتور» نیستند. او به نشست‌های سه‌جانبه هفته بعد اشاره کرد و گفت گاهی حس می‌کند طرف‌ها درباره چیزهای کاملا متفاوت حرف می‌زنند؛ خطری که می‌تواند هر صلحی را شکننده کند. این همان نقطه‌ای است که مونیخ امسال را از یک اجلاس معمولی جدا می‌کند: اختلاف فقط بر سر راه‌حل نیست، بر سر تعریف مسئله است. نکته تعیین‌کننده فقط اختلاف بر سر اوکراین نیست، بلکه تغییر معیارهای مشروعیت در سیاست خارجی غرب است. روبیو در همان سخنرانی، عملا گفت اگر نهادهای بین‌المللی کار نکنند، آمریکا مسیرهای جایگزین را انتخاب می‌کند؛ از «صلح شکننده» در غزه تا کشاندن روسیه و اوکراین به میز مذاکره و حتی اقدام نظامی برای محدودکردن برنامه هسته‌ای ایران. این یعنی وزن ائتلاف‌های موقت و معامله‌های موردی بالا می‌رود و وزن قواعد ثابت پایین می‌آید. برای اروپا، ترجمه عملی این رویکرد دو چیز است: یا باید در همین چارچوب معامله‌محور شریک شود و سهم بیشتری از هزینه امنیت را بدهد، یا باید با سرعت بیشتری به سمت خوداتکایی دفاعی و صنعتی برود تا در تصمیم‌های بزرگ، تماشاچی نباشد. هم‌زمان، محور مهاجرت می‌تواند شکاف داخلی اروپا را تندتر کند، چون دولت‌ها بین فشار اجتماعی برای کنترل مرزها و حساسیت‌های حقوقی و سیاسی گیر می‌افتند. اگر این دو بحران هم‌زمان، یعنی اوکراین و مهاجرت، روی میز بماند، انتخابات‌های پیش‌رو در چند کشور اروپایی می‌تواند به‌جای «رفتن به سمت میانه»، به سمت قطبی‌ترشدن حرکت کند؛ درست همان زمینی که ترامپیسم روی آن راحت‌تر بازی می‌کند.

روبیو جنگ اوکراین را شاهدی علیه سازمان ملل آورد و گفت این نهاد نتوانسته جنگ را حل کند و حتی برای نزدیک‌کردن طرفین به مذاکره هم «رهبری آمریکا» لازم بوده است. روبیو نتیجه گرفت آمریکا اگر لازم باشد تنها عمل می‌کند، هرچند تأکید داشت ترجیح می‌دهد این کار با اروپا انجام شود. برای بسیاری در اروپا، همین «گزینه تنها عمل‌کردن» بخش نگران‌کننده ماجراست

به احترام داور شیخاوندی

ادامه از صفحه اول

آموزش و پرورش همواره در تألیف و ترجمه‌های بعدی نیز به‌جد مورد توجه شیخاوندی بود. ترجمه برخی آثار ایوان ایلچ، ازجمله مدرسه‌زدایی در جامعه و حتی در این اواخر «بالیدگی آموزش و پرورش و به‌گشت جامعه»، نشانگر دل‌مشغولی‌های شیخاوندی به نهاد بسیار اثرگذار آموزش و پرورش در دوره‌ای چندده‌ای است. حضور در ساختار تدوین کتاب‌های درسی در دوره پهلوی و سال‌های آغازین انقلاب و تألیف برخی از کتاب‌های تعلیمات اجتماعی در آن سال‌های حساس نیز از دیگر فعالیت‌های شیخاوندی است که به آن کمتر توجه شده است. آسیب‌های اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی یا به قول شیخاوندی آسیب‌های جامعوی و مسائل جامعتی ایران از دیگر حوزه‌های مورد علاقه شیخاوندی بود که آثار مهمی را در این زمینه قلمی کرد. در کنار ترجمه و تألیف آثار دیگری درباره ماکس وبر، مانند «جامعه‌شناسی تجدد ماکس وبر (جادوزدایی از جهان)» و جامعه‌شناسی سیاسی، یکی دیگر از دغدغه‌های شیخاوندی توجه به هویت ملی و هویت ایرانی بود که منشأ خلق آثاری توسط وی شد. دلبستگی شدید این استاد اردبیلی به هویت ایرانی را می‌توان در خلق آثاری همچون «زایش و خیزش ملت»، «تکوین و تنفیذ هویت ملی» و نیز آخرین کتاب چاپی داور شیخاوندی یعنی «تکوین و تکون هویت ایرانی: هویت‌های فردی، ملی، جهانی» ملاحظه کرد. در کنار بی‌توجهی مزمن و کم‌توجهی بسیاری از استادان جامعه‌شناسی به مقوله هویت ملی و اهمیت هویت ایرانی، داور شیخاوندی از معدود استادان جامعه‌شناسی در ایران بود که بخش زیادی از فعالیت‌های علمی، فرهنگی و حتی ترویجی خود را در خدمت آن قرار داده بود. شیخاوندی به‌جز تألیف و تدریس در دانشگاه‌های کشور و راهنمایی شماری رساله دانشجویی دوره تحصیلات عالی، در آثار خود دقت درخور توجهی در پاسداشت زبان و ادب فارسی داشت و دقت شیخاوندی در واژه‌گزینی و برابرنهادی واژگان علوم اجتماعی به زبان فارسی نیز شایان تحسین و قدردانی است. دکتر داور شیخاوندی در دوره‌ای که علوم اجتماعی در ایران به‌شدت ایدئولوژی‌زده بود و فضای علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی ایران تحت تأثیر افراطی‌های مارکسیست یا ایدئولوژی‌گرایان دیگر بود، مقهور فضای ایدئولوژیک نشد و علی‌رغم انتخاب رویکرد انتقادی در فعالیت‌های خود، به جمع جامعه‌شناسان فعال و وابسته به ایدئولوژی‌های رایج در فضای آکادمیک ایران نپیوست. در نتیجه، شیخاوندی با تعادل و عقلانیت و به دور از تندروی به فعالیت‌های علمی و آکادمیک خود ادامه داد. شیخاوندی افزون بر ویژگی‌های علمی و خدماتش در تألیف و ترجمه، از نظر شخصی نیز ارتباطات و رفاقت درخور توجهی با دانشجویانش داشت و حضور در محافل فرهنگی و علمی در جای‌جای ایران را به‌مثابه یک فرصت با روی گشاده می‌پذیرفت. با وجود خدمات فراوان دکتر داور شیخاوندی به علم و فرهنگ در کشور، هیچ‌گاه در رادیو و تلویزیون کشور جایی برای حضور این استاد وطن‌پرست مانند بسیاری دیگر از ایران‌دوستان و وطن‌پرستان تعریف نشد؛ هرچند شیخاوندی در رسانه‌های جمعی نیز تا حدودی فعال بود و به وسیله نوشتن مقاله یا انجام گفت‌وگو، دیدگاه‌های خود را با دیگر ایرانیان در میان می‌گذاشت. متأسفانه پس از عمری فعالیت علمی و دانشگاهی، داور شیخاوندی در ۲۱ بهمن جان به جان‌آفرین تقدیم کرد. اگرچه داور شیخاوندی در دوره‌ای بیش از پنج‌دهه، خدمات علمی و فرهنگی مهمی به ایران و ایرانیان کرد، اما همچنان دغدغه‌های وی به‌ویژه درباره هویت ایرانی و ایرانیت و سرنوشت ملت ایران و نیز تجدد، دغدغه دیگر پژوهشگران و محققانی است که دل در گرو سربلندی، عمران و آبادی ایران دارند. یاد و نام داور شیخاوندی گرامی باد.

((آگهی مزایده عمومی یک مرحله ای))
شماره ۴۰۴/۱۰/۰۰/۱۹
نوبت اول

شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش

● مزایده گزار : شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش(سهامی خاص)
● موضوع مزایده : " واگذاری قطعی قطعه زمین TS-76 واقع در فاز ۷ شهرک صدف با کاربری مختلط (مسکونی - خدماتی- تجاری) "
● مبلغ برآورد اولیه و تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار مطابق جدول به شرح ذیل:

قطعه	کاربری	منطقه	مساحت عرصه (مترمربع)	اعیان احداث ده(مترمربع)	ضوابط	جمع کل نقد و اقساط (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مزایده (ریال)	شرایط پرداخت	
TS-76	مختلط (مسکونی- خدماتی تجاری)	۲اقتصادی کیش	۴۵۰۸		ارتفاع مجاز ۳۵ متر با تعداد طبقات مجاز هفت طبقه روی همکف و سطح اشغال همکف ۵۰ درصد و سطح اشغال طبقات اول تا هفتم ۴۰ درصد و تراکم ۲۶۵ درصد با رعایت کلیه ضوابط و مقررات مربوطه	۷,۴۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۴۸,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقدی	اقساط ۳۶ ماهه (بدون کارمزد)
								۴۰ درصد	۶۰ درصد پیشنهادی

● تاریخ فروش اسناد مزایده : از تاریخ درج آگهی(دوشنبه ۱۴۰۴/۱۱/۲۷) در سایت شرکت (idctender.kish.ir) تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۳
● آخرین مهلت زمان تحویل اسناد مزایده : از تاریخ درج آگهی فروش اسناد تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰
● محل های فروش اسناد مزایده و تحویل پاکات:
دفتر مرکزی: جزیره کیش- لوپ دیدار- خیابان برج صدف- برج صدف- طبقه سوم - دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش - تلفن۴۴۴۵۳۳۵۳ -۰۷۶
دفتر تهران: بزرگراه نلسون ماندلا- بالاتر از چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)- نبش خیابان کیش- ساختمان منطقه آزاد کیش- شماره ۴۵ - طبقه همکف تلفن: ۸۸۸۸۰۲۶۰ -۸۸۷۷۱۹۰۳ -۰۲۱
سامانه اینترنتی مزایده ها و مناقصات شرکت سرمایه گذاری وتوسعه کیش idctender.kish.ir (صرفاً فروش)
● مبلغ فروش اسناد مزایده: ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ (پانزده میلیون) ریال وجه نقد که می بایست به حساب شماره ۷۰۰۸۳۳۴۶۴۵۹۰ به شماره شبا IR۸۴۰۶۱۰۰۰۰۰۰۷۰۰۸۳۳۴۶۴۵۹۰ نزد بانک شهر شعبه پردیس کیش به نام شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش واریز گردد.
مبلغ خرید اسناد از طریق سامانه اینترنتی شرکت ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ (ده میلیون) ریال می باشد.
● نوع سپرده شرکت در مزایده که می بایست به یکی از سه روش ذیل ارائه شود :
ارائه ضمانتنامه بانکی بدون هرگونه قید و شرط به نام مزایده گزار مطابق ضوابط مندرج در اسناد مزایده با اعتبار سه ماه و قابل تمدید برای سه ماه دیگر
چک بانکی تضمینی در وجه شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش.
رسید واریز نقدی به حساب شماره ۷۲۱۷۱۱۶۲۵۹۶۵۷۱ به شماره شبا IR ۰۷۰۶۰۰۷۲۱۷۰۱۱۰۶۲۵۹۶۵۷۰۰۱ نزد بانک قرض الحسنه مهر ایران به نام شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش.
● شرایط موضوع مزایده:
پرداخت مبالغ پیشنهادی بصورت ۴۰ درصد نقد ، ۶۰ درصد طی اقساط ۳۶ ماهه (بدون کارمزد)
کلیه پیشنهاددهندگان در صورت تمایل و پس از خرید اسناد می توانند با هماهنگی مدیریت سرمایه گذاری و فروش با شماره ۴۴۴۵۳۳۵۳ -۰۷۶ (داخلی ۱۱۰ و یا ۱۱۷) موبایل : ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۰۸ از محل موضوع مزایده بازدید نمایند.
برنده مزایده می بایست پیش پرداخت را صرفاً بصورت نقدی واریز و اصل فیش واریزی را به امور مالی شرکت تحویل نماید.
امکان تهاتر مطالبات و یا ارائه اعلامیه مالی توسط پیشنهاددهندگانی که دارای مطالبات از سازمان منطقه آزاد کیش، و شرکتهای تابعه می باشند وجود نداشته و امکان تسویه مطالبات با تعهدات مالی مندرج در شرایط اسناد مزایده وجود ندارد.
سایر شرایط:
هزینه درج هر دو نوبت آگهی وکارشناسی رسمی دادگستری به عهده برنده مزایده می‌باشد.
شرکت کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مزایده آزاد است.
به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده های مخدوش یا کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
حداقل تعداد پیشنهادات واصله در مرحله بازگشایی پاکات "الف" و "ب" سه پیشنهاد و برای پاکات "ج" دو پیشنهاد می باشد.
پاکات در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ در جلسه کمیسیون معاملات در مرکزهمایش های بین المللی کیش بازگشایی خواهند شد.
حضور متقاضیان یا نماینده تام الاختیار پیشنهاد دهندگان در جلسه بازگشایی پاکات "ج" در صورت ارائه معرفی امه کتبی، مجاز می باشد.
مزایده گزار در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مخیر خواهد بود و ارائه اسناد مزایده هیچگونه حقی برای پیشنهاددهندگان ایجاد نخواهد کرد.
سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده درج گردیده است.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۴۴۵۳۳۵۳ -۰۷۶ موبایل ۰۹۳۴-۷۶۸۲۵۰۸ تماس یا به سامانه اینترنتی مزایده ها و مناقصات شرکت سرمایه‌گذاری وتوسعه کیش idctender.kish.ir مراجعه فرمایید .

شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش
دبیرخانه کمیسیون معاملات